



برای دریافت جزوات درسی بهتتر در کانال
کنکور آسان است کلیک کنید
[@konkurasanast1](https://www.instagram.com/konkurasanast1)



*** به نام او ***

۴۳۵ لغت ضروری زبان عمومی کنکور سراسری ۹۶

(بر پایه سوالات زبان عمومی کنکور)

توجه: لغات موجود در این لیست، مهمترین لغات مورد نیاز برای پاسخگویی به سوالات زبان عمومی کنکور سراسری می باشند که بعد از بررسی سوالات کنکور دهه اخیر، گردآوری و به صورت زیر عرضه شده است. هدف از ارائه این واژگان، کسب بهترین نتیجه در کمترین زمان برای داوطلبانی است که به دلایلی با کمبود وقت مواجه اند. البته مرور و مطالعه این فهرست لغات به سایر داوطلبان نیز توصیه می شود. به داوطلبان گرامی توصیه می شود تا در یادگیری لغات و طملاتحاحات از روش های مختلف همچون توجه به اجزای کلمه، شباهت یابی با زبان فارسی، کد گذاری، تداعی معنا، جمله سازی و غیره استفاده کنند و تکرار منظم لغات حفظ شده را در برنامه خود لحاظ نمایند.

1	accept acceptance acceptable	اِکسپیت اِکسپیتنس اِکسپیتبل	پذیرفتن پذیرش قابل قبول
2	access accessible	اِکسس اِکسسپبل	دسترسی (یافتن) قابل دسترسی
3	achieve achievement	اِچِیو اِچِیومنِت	دست یافتن دستیابی، موفقیت
4	act, action activity take an action	اِکت، اِکشن اِکتِیویتی	اقدام، عمل فعالیت اقدام کردن
5	actual = real actually = really	اِکچوآل ری آل	حقیقی، واقعی واقعا
6	add addicted addictive	اَد اَدیکتد اَدیکتیو	افزودن معناد اعتیاد آور
7	adult adulthood	اَدالت اَدالت هود	بزرگسال بزرگسالی
8	advice advise advisable advisability	اَدوایس اَدوایز اَدوایزبل اَدوایزبلیتی	توصیه توصیه کردن قابل توصیه، به مصلحت مصلحت
9	amount	اِماونِت	مقدار
10	annoy annoying annoyed	اِنی اِنی	آزار دادن، رنجاندن آزار دهنده آزارده خاطر، رنجیده
11	anxious anxiously	اِنکشیس	مضطرب با اضطراب
12	appear appearance	اِپی اِر اِپیرنس	ظاهر شدن، نمایان شدن ظهور، بروز
13	apprentice	اِپرنْتیس	شاگرد، دستیار
14	approach	اِپْرچ	رویکرد، روش
15	appropriate = suitable appropriately	اِپْرپْری ات = سوئبل اِپْرپْری ات لی	مناسب به طور مناسب
16	area = region	اِری آ	ناحیه، منطقه
17	arrange arrangement	اِررینج (منت)	مرتب کردن (ترتیب، چیدمان)
18	artificial artificially	اِرْتیفی شِل (ای)	مصنوعی به شکل مصنوعی
19	ashamed of	اِشیمد او	شرمساز از
20	aspect	اَسپِکت	جنبه، بعد
21	assume assumption	اِسوم اِسامپشن	فرض کردن فرض، فرضیه
22	astronaut	اَسْتْرانَات	فضانورد
23	attach attachment	اِتچ	متصل یا الحاق کردن ضمیمه، پیوست

24	attend attention	اِتند اِتِنشن	حضور یافتن، شرکت کردن توجه
25	attract = interest attraction attractive = interesting	اِتْرکت اِتْرکشن اِتْرکتِیو	جذب کردن جاذبه جذاب
26	attribute	اِتْرِبیوت	ویژگی، خصوصیت، نسبت دادن
27	audience	اَدی اِنس	حضار، مخاطبان
28	available, availability	اِوِیلِبِل (ایتی)	موجود، در دسترس موجود یا در دسترس بودن
29	average	اَوْرچ	معدل، میانگین، متوسط
30	aware of	اِوِر او	آگاه از
31	base	بیس	پایگاه، پایه و اساس
32	basic basically	بِسیک بِسیکلی	اساسی اساسا
33	behave behavior	بی هِیو بی هِیویر	رفتار کردن رفتار
34	biography	بای اِگْرِفی	زندگینامه
35	blood	بِلاد	خون
36	bother	بازر	اذیت کردن، دردسر دادن
37	brief briefly	بریف	کوتاه و مختصر به شکل کوتاه و مختصر
38	calm = relaxed	کالم = ریلکست	آرام، خونسرد
39	capacity	کپِ سیتی	ظرفیت
40	category	کِیْگْرِی	دسته، طبقه، مقوله
41	cause because	کاز بیکاز	علت، باعث شدن چونکه، چون
42	center central	سِنتر سِنترال	مرکز مرکزی
43	ceremony	سِرْمُنِی	مراسم، آیین
44	certain certainly = for certain certainty	سِرْتِن سِرْتِنلی سِرْتِنْتی	مطمئن قطعیت، اطمینان
45	charity	چَریتی	خیریه
46	chemical chemistry chemist	کِمیْکَل کِمیْستْری کِمیْست	شیمیایی شیمی شیمیدان، داروساز
47	chest	چِست	سینه
48	choice choose = make a choice	چِیس چوز	انتخاب انتخاب کردن
49	climate	کِلایْمِت	شرایط جوی
50	collect collection	کِلِکت کِلِکشن	جمع کردن کلکسیون، جمع آوری
51	combine combination	کِمباین کامبی نِیشن	ترکیب کردن ترکیب

52	comment (on)	کامنت	نظر، نظر دادن (درباره)
53	common (ly)	کامن (لی)	رایج، مشترک (معمولا)
54	communicate communication	کمیونی کیت کمیونی کیشن	ارتباط برقرار کردن ارتباط
55	community	کمیونیتی	جماعت
56	compare comparison	کمپر کمپریسن	مقایسه کردن مقایسه
57	compete competition	کمپیت کامپیتیشن	رقابت کردن رقابت
58	complex = complicated	کامپلیکس کامپلیکیته	پیچیده
59	compose = write	کمپز	نوشتن، تصنیف کردن
60	compute computer	کمپیوت	محاسبه کردن کامپیوتر
61	concentrate on concentration	کانسنتریت آن کانسنتریشن	تمرکز کردن روی تمرکز
62	concern = worry concern concerned about	کن سرن - واری	نگرانی، مسأله مربوط بودن به علاقه مند به، دلواپس
63	conclude conclusion	کنکلود کنکلوزن	نتیجه گیری کردن نتیجه، نتیجه گیری
64	condition	کندیشن	وضعیت، شرایط
65	confidence confident	کانفیدنس کانفی دنت	اطمینان، اعتماد مطمئن
66	confuse confusing confused	کن فیوز	گیج کردن گیج کننده گیج (شده)
67	connect connection	کنکت کنکشن	متصل شدن، ارتباط یافتن اتصال، ارتباط
68	conscious consciously	کانشس	آگاه، هوشیار آگاهانه
69	consider considerable considerably	کنسیدر کنسیدربل کنسیدربل	در نظر گرفتن، لحاظ کردن به شکل قابل توجه، بسیار به شکل قابل توجه
70	consist of	کنسیست او	شامل شدن، تشکیل شدن از
71	contact	کانتکت	تماس، تماس گرفتن
72	contain	کینتن	شامل شدن / بودن
73	contents	کانتینتس	محتویات
74	continuously = constantly	کینتینیوالسی - کانستنتلی	دائماً، پیوسته
75	contrast = difference	کانترست	تضاد، اختلاف
76	contribute contribution	کنتری بیوت کانتریبیوشن	کمک کردن، شرکت کردن کمک، مشارکت
77	core	کر	هسته، مرکز
78	cover # discover	کاور - دیسکاور	پوشاندن # کشف کردن
79	crater	کرپتر	حفره، دهانه آتشفشان
80	create creation	کری ایت کری ایشن	ایجاد کردن، خلق کردن خلقت
81	crust	کراست	پوسته
82	culture cultural	کالچر کالچرال	فرهنگ فرهنگی
83	cut down = fell	کات داون - فل	قطع کردن (درخت)
84	damage	دمیج	خسارت، خسارت زدن
85	decrease = reduce increase	دیکریس، ریدوس اینکریس	کاهش دادن افزایش یافتن

86	define definition	دیفاین دفی نیشن	تعریف کردن تعریف
87	density	دنسیتی	چگالی
88	deny = reject	دینای ریجکت	منکر شدن، رد کردن
89	department	دپارتمنت	اداره، بخش
90	depend on = rely on	دپند آن، ریالی آن	بستگی داشتن به متکی بودن به
91	design designer	دیزاین	طرح، طراحی کردن طراح
92	destination	دستینیشن	مقصد
93	destructive destroy	دسترکتیو دبستری	مخرب، ویرانگر نابود کردن
94	develop, developing development	دیولپ	توسعه دادن، ابداع کردن در حال توسعه توسعه، پیشرفت
95	device	دیوایس	وسیله، ابزار
96	devote	دیوت	وقف کردن، اختصاص دادن
97	different difference make a difference	دیفرنٹ دیفرنس	متفاوت تفاوت فرق گذاشتن، تفاوت ایجاد کردن
98	direct directly	دیرکت دیرکتلی	مستقیم، هدایت کردن مستقیماً
99	disagree # agree	دیس اگری - اگری	مخالفت کردن، موافقت کردن
100	discipline	دیسپلین	نظم، نظم بخشیدن
101	discuss discussion	دیسکاس دیسکاشن	بحث کردن بحث
102	disease	دیزیز	بیماری
103	dislocate	دیسلا کیت	جابه جا کردن / شدن
104	distance distant	دیسیتس	فاصله، مسافت دور
105	distract	دسترکت	موجب حواس پرتی شدن، منحرف کردن
106	disturb disturbance	دبسترب دبسترنس	مزاحم شدن مزاحمت
107	document	داکیومنٹ	سند، مدرک
108	domestic	دومستیک	خانگی، اهلی
109	during	دورینگ	در طی
110	earn = gain	ارن - گین	کسب کردن، به دست آوردن
111	earthquake quake = shock	آرث کوایک کوایک	زلزله لرزه
112	economy economic economical economically	ایکانمی - ایکنامیک ایکنامیکال ایکنامیکالی	اقتصاد، اقتصادی صرفه جو، مقرون به صرفه از لحاظ اقتصادی
113	effect effective	ایفکت ایفکتیو	تأثیر موثر
114	efficient efficiently	افیشینٹ	موثر به نحو موثر
115	effort	اِفرٹ	تلاش
116	electrician electric	الکتریشن الکتربیک	برقکار الکتریکی، برقی
117	elementary element	المنتری المنت	ابتدایی، مقدماتی عنصر، رکن اصلی
118	embarrass embarrassment	ایمبرس ایمبرسمنت	دستیپاچه کردن دستیپاچگی
119	emergency	ایمرجنسی	اضطراری

120	emotion emotional emotionally emotionless	ایمشن ایمشنل ایمشنلی ایموشنلس	احساس، هیجان احساسی، هیجانی از لحاظ احساسی بی احساس
121	emphasize emphasis	امفاسایز امفاسیس	تاکید کردن تاکید
122	employ employer	ایمپلای ایمپلایر	استخدام کردن کارفرما
123	encourage encouragement	اینکارایج	تشویق کردن تشویق
124	endeavor	اندور	(کردن)
125	energy energetic	انرژی انرجتیک	انرژی پر انرژی
126	engineer engine	نجنینر نجنین	مهندس موتور
127	enhance	اینهنس	ارتقا دادن، زیادتر کردن
128	entertainment entertain	لنتین منت لنتین	سرگرمی، تفریح
129	entirely entire	اینتایرلی اینتایر	تماماً به کلی تمام، کامل، کل
130	environment	اینوایرنمنت	محیط
131	equip equipped equipment	ایکویپ ایکویپت ایکویپمنت	تجهیز کردن مجهز تجهیزات
132	escape	اسکیپ	فرار کردن
137	estimate estimation	استیمییت استیمییشن	تخمین زدن تخمین
133	evaluate evaluation	ایوالوایت ایوالوایشن	ارزیابی کردن ارزیابی
134	event	یونت	رویداد، حادثه
135	exact exactly	اکزکت اکزکتلی	دقیق دقیقا
136	excited exciting	اکسایتد اکسایتینگ	هیجان زده هیجان انگیز
137	exemplify	اکزمپلیفای	بیانگر چیزی بودن
138	exercise	اکسیرسایز	ورزش، تمرین اعمال کردن
139	expect expectation except	اکسپکت اکسپکتیشن اکسپکت	انتظار داشتن انتظار به جز
140	experience experienced	اکسپیری انس اکسپیری انست	تجربه، تجربه کردن با تجربه
141	experiment	اکسپیریمنت	آزمایش
142	expert	اکسپرت	متخصص
143	explain explanation	اکسپلین اکسپلینیشن	توضیح دادن توضیح
144	explicit	اکسپلیسیت	واضح، آشکار
145	explore exploration explorer	اکسپلور اکسپلوریشن اکسپلورر	کاوش کردن کاوش کاوشگر
146	express expression	اکسپرس اکسپرشن	بیان کردن حالت، عبارت، بیان
147	extinction	اکستینکشن	انقراض
148	extra	اکسترا	اضافی، فوق العاده
149	extreme extremely	اکستریم	افراطی، شدید، خیلی زیاد به شدت
150	(make) eye contact	آی کانتکت	تماس چشمی (برقرار کردن)

تلاش، کوشش

نشان دادن

151	facial	فیشل	مربوط به صورت
152	fail failure	فیل فیلیپر	شکست خوردن، رد شدن شکست، نقص
153	famous	فیمس	مشهور
154	fashionable fashion	فشنبل	مرسوم، رایج رسم، مد
155	fault	فالت	عیب، نقص، ایراد
156	feature	فیچر	ویژگی، خصوصیت
157	financial financially	فایننشیل	مالی از لحاظ مالی
158	firm firmly	فرم فرملی	محکم، استوار، شرکت به طور محکم و ثابت
159	flexible	فلکسیبل	انعطاف پذیر
160	float	فلت	شناور شدن
161	focus	فوکس	توجه، توجه کردن
162	follow, following	فال - فال اینگ	دنبال کردن، پیروی کردن بعدي، ذیل
163	forecast	فُرکست	پیش بینی (کردن)
164	foreign foreigner	فارن فارنر	خارجی (شخص) خارجی یا بیگانه
165	forest	فارست	جنگل
166	formal formally	فرمل فرملی	رسمی رسماً
167	formation form	فرمیشن فرم	ساخت، شکل گیری شکل، فرم
168	former	فرمر	سابق، پیشین
169	fortunate fortunately = luckily	فرچنت فرچنتلی	خوش شانس خوشبختانه
170	forward	فرورد	ارسال کردن
171	frequent frequently	فریکوانت (لی)	مداوم ه طور پی در پی، غالباً
172	frighten frightening	فرایتن فرایتینگ	ترساندن ترسناک
173	fuel	فیول	سوخت
174	function	فانکشن	عملکرد
175	future	فیوچر	آینده
176	generalize generalization general	جنرالایز جنرالایزیشن جنرال	تعمیم بخشیدن، عمومیت دادن تعمیم عمومی، کلی
177	gesture	جسچر	ایما و اشاره
178	give up	گیو آپ	تسلیم شدن، ترک کردن
179	global globe	گلوبل گلوب	جهانی گره، گوی
180	government govern	گاورنمنت گاون	دولت حاکم بودن
181	growing grow	گراینگ	فزاینده، رو به رشد رشد کردن، ترقی کردن
182	guarantee	گرنٹی	ضمانت (کردن)
183	habit	هبیت	عادت
184	handle	هندل	اداره کردن، دست زدن، دسته، دستگیره
185	health healthy	هلت هیلثی	سلامتی سالم
186	heavy heavily	هوی	سنگین به شدت، به زحمت

187	hypothesize hypothesis	های پائسایز های پاسسیس	فرضیه دادن، فرض کردن فرض، فرضیه
188	identification identify identity	آیدنتیفیکیشن آیدنتیفای آیدنتیتی	شناسایی شناختن، شناسایی کردن هویت
189	ignore	ایگنر	غفلت کردن، ندیده گرفتن
200	image imagine imaginary imagination	ایمیج ایمجن ایمجنیری ایمجنیشن	تصویر (ذهنی) تصویر کردن خیالی تصور، خیال
201	immediately	ایمیدی ایت لی	فورا، بلافاصله
202	impolite # polite	یم پلایت	بی ادب # مؤدب
203	impression = feeling, effect	ایمپرین فیلمنگ - ایفکت	اثر، برداشت، تاثیر = احساس، تاثیر
204	improve	ایمپروو	بهبود بخشیدن
205	inaction	اینکشن	بی تفاوتی، بی حرکتی
206	include = involve	اینکلود	شامل شدن، در برگرفتن
207	income	اینکام	درآمد
208	individual individually	ایندی وی جوال	فردی، فردی شخصاً، اختصاصاً
209	industry industrial industrialize	اینداستری اینداسترال اینداستری ایلایز	صنعت صنعتی صنعتی کردن
210	influence	این فلوا نس	تاثیر، تاثیر گذاشتن
211	inform, information	اینفرم - اینفرمیشن	مطلع کردن، اطلاعات
212	injury	اینجری	مصدومیت، آسیب
213	instead of	اینستد او	ر عوض
214	instructions instruction instruct	اینستراکشنز اینستراکشن اینستراکت	دستورالعمل تعلیم، آموزش دستور دادن، تعلیم دادن
215	instrument	اینسترومنت	وسيله، ابزار
216	intention = purpose	اینتنشن - این پورپس	قصد، نیت، منظور، هدف
217	interchangeable with interchangeably	اینترچینجبل ویذ اینترچینجبل	قابل تعویض با به جای یکدیگر
218	interested (in)	اینترستد	علاقه مند (به)
219	introduce introduction	اینتردوس اینتروداکشن	معرفی کردن مقدمه، معرفی، ابداع
220	invent invention inventor	اینونت اینونشن اینونتر	اختراع کردن اختراع مخترع
221	invitation invite	اینوی تیشن اینوایت	دعوت دعوت کردن
222	involve involvement	اینوالو اینوالومنت	شامل شدن، مستلزم بودن مشارکت، دخالت
223	irrelevant # relevant	ایریرلوانت	بی ارتباط # مرتبط
224	issue = subject	ایشو - سایجکت	موضوع، مساله
225	joint	جینت	مفصل
226	journey	جری	سفر
227	keep up	کیپ آپ	عقب نماندن و خود را رساندن
228	knowledge	نالچ	دانش، علم، معلومات
229	labor laborer	لیبر لیبرر	کار کارگر
230	land	لند	فرود آمدن / آوردن، زمین
231	launch	لاچ	روانه کردن، پرتاب کردن
232	layer	لیر	لایه

233	leader leadership	لیدر لیدر شیب	رهبر رهبری
234	lean	لین	تکیه دادن، مایل شدن
235	lie (lied-lied) lie (lay- lain)	لای	دروغ (گفتن) دراز کشیدن، قرار گرفتن
236	lift	لیفت	بلند کردن، آسانسور
237	link	لینک	اتصال، ارتباط، متصل شدن / کردن
238	liquid	لیکواید	مایع
239	live on live alive = living	لیو آن لیو ایلا یو = لیوینگ	زنده ماندن زندگی کردن زنده
240	locate location	لکیت لکیشن	یافتن، مکان یابی کردن محل، موقعیت
241	lock lock up	لاک لاک آپ	قفل، قفل کردن حبس کردن
242	loss lose (lost-lost)	لاس لوز	فقدان، زیان از دست دادن
243	lower	ل اِر	پایین آوردن
244	machine	شین	دستگاه
245	magnify magnifying glass	مگنی فای مگنی فاینگ گلس	درشت نشان دادن ذره بین
246	mail mailing	میل میلینگ	سُست پستی
247	mainly	مینلی	عمدتاً، اساساً
248	make a decision = decide	میک اِ دسیژن = دیساید	تصمیم گرفتن
249	manage manager management	منج منج منج منت	اداره کردن مدیر مدیریت، اداره
250	manufacture manufactory	منیوفکتچر منیوفکتوری	تولید کردن کارخانه
251	marriage marry married # single	مَرچ مَری مَرید # سینگل	ازدواج ازدواج کردن متاهل # مجرد
252	matter	مَتر	مسئله، موضوع، ماده، جسم
253	measure	مِژر	اندازه (گرفتن)
254	mechanism = method	مِکنیزم = میثد	روش
255	medical medicine	مدیکال مدیسن	پزشکی دارو، (علم) پزشکی
256	mental mentally	مینتال	ذهنی، روحی ار لحاظ ذهنی، عقلاً، روحاً
257	mention	مِنشن	ذکر کردن، نام بردن
258	message	مسیج	پیام
259	mild mildly	مایلد (لی)	آرام، ملایم، معتدل به آرامی، اندکی
260	mineral	مینرال	معدنی، ماده معدنی
261	mining	ماینینگ	استخراج (سنگهای معدنی)
262	mission missionary missionary work	میشن میشنری	ماموریت مبلغ، فرستاده کار تبلیغی
263	mistake make a mistake	میسستیک	اشتباه اشتباه کردن
264	mood	موود	وضعیت
265	mostly	مُست لی	بیشتر، غالباً

266	movement move	موومنت موو	جنبش، حرکت، جابه جایی حرکت دادن، حرکت کردن
267		میستری = سیکرت	راز
268	national nationality nation	نشنال نشنالیته نیشن	ملی ملیت ملت
269	nature natural	نیچر نچرال	طبیعت طبیعی
270	nearly = almost	نی = الی = المست	تقریباً
271	necessarily necessary	نسیسریلی نسیسری	لزوماً، ضرورتاً لازم
272	nervous	نیروس	عصبی، نا آرام، مضطرب
273	network	نِت وِرک	شبکه
274	notice noticeable	نوتیس	توجه، اطلاعیه، توجه کردن قابلتوجه
275	nutrient nutrition	نوتری اینت نوتریشن	ماده مغذی تغذیه، خوراک
276	observe observer observation observatory	آبزرو آبزروور آبزرنیشن آبزروتری	مشاهده کردن، رعایت کردن مشاهده گر مشاهده، ملاحظه رصد خانه
277	occasion	اِکِیژِن	مناسبت، موقعیت
278	occur = happen	اِکِر هپن	رخ دادن
279	operate	اِپِریت	کار کردن، عمل کردن
280	organize, organization	اِرگنایز اِرگنیزیشن	سازماندهی کردن، هماهنگ کردن سازماندهی
281	outline	اوت لاین	خلاصه، طرح کلی خلاصه کردن
282	pace = speed	پیس - اسپید	سرعت
283	painting	پینتینگ	تابلو نقاشی
284	particular particularly	پرتیکولر پرتیکولر	خاص خصوصاً
285	partner	پارتنر	شریک، همکار
286	pattern	پترن	الگو
287	perfect perfectly	پرفکت	کامل، عالی به طور کامل
288	perform performance	پرفُرم پرفرمنس	اجرا کردن اجرا
289	permit permission	پرِمیت پرِمیشن	اجازه دادن اجازه
290	personal personally	پرسنال	شخصی شخصاً
291	phonograph	فونِگراف	دستگاه ضبط صوت
292	physical	فیزیکال	فیزیکی، جسمی
293	pick up	پیک آپ	برداشتن
294	pilot	پایلت	خلبان
295	pioneer	پاینر	پیشرو، پیشرو بودن
296	plan = program	پلن - پُرگرام	برنامه، برنامه ریزی کردن
297	pole	پُل	قطب
298	pollution pollute	پلوشن پلوت	آلودگی آلوده کردن
299	populated population	پاپولیتد پاپولیشن	شلوغ، دارای جمعیت جمعیت
300	possibility possibly possible	پاسیبیلیته پاسیبیلی پاسیبیل	احتمال احتمالاً ممکن، احتمالی

301	posture	پُستچر	ژست، طرز ایستادن
302	powerful	پاؤرفُل	قدرتمند
303	practice	پِرکتیس	تمرین، تمرین کردن
304	predict prediction	پِرَدیکت پِرَدیکشن	پیش بینی کردن، پیش بینی
305	prepare	پِرِپِر	آماده کردن / شدن
306	presence present presentation	پِرِزَنس پِرِزَنت پِرِزَنتیشن	حضور حاضر، فعلی، ارائه کردن سخنرانی، ارائه، عرضه
307	pressure	پِرِشر	فشار
318	prevent = stop	پِرِوِنِت	مانع شدن، جلوگیری کردن
309	previous = former previously = formerly	پِرِوی اِس = فُرمِر پِرِوی اِسلِی	قبلی، پیشین سابقاً، قبلاً
310	primarily	پِرِاِچِرلی	در اصل، اساساً
311	private	پِرِایوت	خصوصی
312	probe	پِرَب	کاوش کردن، کاوشگر
313	procedure	پِرِسِچِر	روال، رویه
314	process	پِرِاسِس	پردازش، پردازش کردن
315	produce product production	پِرِدوس پِرِاداکت پِرِداکشِن	تولید کردن محصول تولید
316	profession professional	پِرِفِشِن پِرِفِشنل	حرفه حرفه ای، متخصص
317	projection	پِرِاچکشِن	بخش، پرتو افکنی
318	promise	پِرِامیس	قول دادن
319	promote promotion	پِرْمُت پِرْمُشن	ترقیع دادن، ترقی دادن ترقیع، ارتقا، ترویج
320	proportion	پِرِپُرِشِن	نسبت، درجه، سهم
321	propose	پِرِپُز	پیشنهاد دادن
322	protect = keep safe	پِرِ تِ بکت	محافظت کردن
323	proud proudly	پِر اُود	مغرور، سربلند با افتخار
324	provide	پِرِواید	فراهم کردن
325	psychology psychologist	سایکالِجی سایکالِجِست	روانشناسی روانشناس
326	public	پابلیک	عمومی، دولتی
327	purpose = aim= end = goal	پِرِپس - اِیم - اِنْد گُل	هدف
328	put off put out	پوت اف پوت اوت	به تعویق انداختن خاموش کردن
329	quality	کوالیتی	کیفیت
330	radiate	ریدی ایت	تابیدن، تاباندن
331	raise	رِیز	بالا بردن، افزایش دادن پرورش دادن
332	rank	رَنک	درجه، رتبه، رتبه بندی کردن
333	rattle	رَتِل	رزیدن، تلق تلق کردن
334	reach	رِیچ	رسیدن
335	react with	ری اکت وِیذ	واکنش نشان دادن با
336	reality	ری اِلیتی	واقعیت
337	realize	ری اِلاِیز	فهمیدن، متوجه شدن
338	reason reasonable	رِیزن رِیزنبل	دلیل منطقی
339	recall = remember	رِیکال	به خاطر آوردن
340	recent recently	رِیسِنِت	اخیر اخیراً

341	recognize	رِکَنایز	تشخیص دادن
342	record	رِکُرد - رِکُرد	رکورد، ثبت - ثبت کردن
343	recycle	رِیسایکل	بازیافت کردن
344	reference refer to	رِفرِنس رِفر تو	مَرَجع اشاره داشتن به
345	reflect reflection	رِفلِکت رِفلِکشن	منعکس کردن انعکاس، بازتاب
346	regular	رِگیلر	منظم، عادی
347	release	رِلیس	آزاد کردن، ترشح کردن
348	religion religious	رِلیجن رِلیجس	مذهب مذهبی
349	remove	رِموو	حذف کردن، برکنار کردن، از بین بردن
350	repetitive repeat	رِپیتدیو رِپیت	تکراری تکرار کردن
351	require = need	رِیکوایر = نِید	نیاز داشتن
352	research do research into researcher search for	رِسِرچ دو رِسِرچ اینتو رِسِرچر سِرچ فَر	تحقیق، تحقیق کردن تحقیق کردن درباره محقق جستجو کردن برای
353	responsible (for)	رِسپانسیبل فَر	مسول، عامل
354	rural	رُورل	روستایی
355	sample	سَمپل	نمونه
356	satellite	سَاتِلایت	ماهواره
357	satisfied	سَاتِسفاید	راضی
358	scene	سین	صحنه
359	scientifically scientist science	ساینتیفیکلی ساینتیست ساینس	از لحاظ علمی دانشمند علم
360	self-confidence	سِلف کانفیدنس	اعتماد به نفس
361	self-employed	سِلف ایمپلاید	خود اشتغال، دارای شغل آزاد
362	separate	سِپرت - سِپرت	جداگانه، جدا کردن
363	serious seriously	سِری اِس سِری اِس	جدی، وخیم به شکل جدی
364	set	سِت	تنظیم کردن، غروب کردن، تعیین کردن، مجموعه
365	several	سِورال	چندین
366	shake	شِیک	تکان، تکان خوردن / دادن
367	shocked	شاکت	شوکه، بهت زده
368	similar to # different from	سِمیلر دِفرِنْت فرام	شبیبه به متفاوت با
369	similarly	سِمیلرلی	به طور مشابه
370	situation	سِچوایشِن	موقعیت
371	slum	سِلام	محله فقیر نشین
372	smooth smoothly	سِمُود سِمُود	آرام، روان، نرم به طور روان
373	social society	سُشال سِسیایتی	اجتماعی جامعه، اجتماع
374	soil	سِیل	خاک
375	solar	سُلر	خورشیدی
376	solution solve	سِلووشِن سالو	راه حل حل کردن
377	source resources	سُرس رِسِرْسِز	منبع، منشأ منابع
378	special specially	اسپِشِل اسپِشلی	خاص، مخصوص خصوصاً

379	specific to specifically	اسِپِسیفِک تو اسِپِسیفِکلی	خاص، مختص به مخصوصاً
380	speculate	اسِپِکولیت	تفکر کردن، حدس زدن
381	speech give/make a speech	اسپِچ	سخنرانی سخنرانی کردن
382	stance	اسْتِنس	حالت ایستادن، دیدگاه
383	statement state	اسْتِیتِمِنْت اسْتِیت	گفته، اظهار، جمله بیان کردن
384	stick (in)	اسْتِیک	جای گرفتن (در)، چسباندن، چوب، عصا
385	store store up	اسْتِر	فروشگاه، ذخیره کردن انباشتن
386	straight straightly	اسْتِرِیت	صاف، مستقیم مستقیماً
387	strategy	اسْتِرِجِی	راهبرد، استراتژی
388	strength strong strongly	اسْتِرِنگت اسْتِرِنگ اسْتِرِنگلی	قدرت قوی به شدت شدیداً
389	stretch	اسْتِرچ	کش و قوس دادن
390	structure	اسْتِراکچر	ساختار
391	struggle	اسْتِرگل	کشمکش، نزاع، تقلاً
392	subordinate	سِبِرْدِینِت	فرعی، تبعی
393	suffer suffering	سَافِر اَفرِینگ	رنج بردن رنج
394	suggest suggestion	سِجِست سِجِسچِن	پیشنهاد کردن پیشنهاد
395	summary = outline summarize	سامری امرایز	خلاصه خلاصه کردن
396	superior	سوپری اِر	مافوق، برتر
397	support supportive	سِپُرت سِپُرتِیو	پشتیبانی کردن حامی، پشتیبان
398	surprise surprising surprised	سِرپرایز	شگفتی، شگفت زده کردن شگفت انگیز شگفت زده
399	surround surrounding surroundings	سِر اُوند سِر اُوند اینگ سِر اُوند اینگز	احاطه کردن مجاور، احاطه کننده محیط پیرامون
400	survive survival	سِوایو سِوایول	نجات یافتن، زنده ماندن بقاء
401	take part in = participate	تِیک پارت این ارتی سی پیت	شرکت کردن
402	tap	تَپ	ضربه زدن
403	take notes	تِیک نِتس	یادداشت برداری کردن
404	take seriously	تِیک سِری اِسلِی	جدی گرفتن
405	task	تَک	کار، وظیفه
406	temperature	تِمپِرچر	دما
407	term	تِرم	دوره، ترم، اصطلاح
408	terrible	تِریبل	وحشتناک، بد
409	tighten	تِایتِن	محکم کردن، سفت کردن
410	tired (of)	تِایرد اُو	خسته از
411	to a large extent	تو اِلارچ اِکسِنتِیت	تا حد زیادی
412	trade	تِرد	تجارت
413	train training	تِرین تِرینِینگ	تعلیم دادن آموزش
414	transfer	تِرانسفِر	منتقل کردن
415	type = sort	تایپ = سُرْت	نوع، گونه

416	unavailable	آن اوبلیل	غیر قابل دسترس، غیر موجود
417	underpass # overpass	آنڈرپس اُورپس	زیر گذر روگذر
418	unemployed unemployment	آن ایمپلُیڈ آن ایمپلُیمنٹ	بیکار بی کاری
419	unexpected	آن اِکسپکٹڈ	غیر منتظرہ
420	unfortunately = unluckily	آن فَرچُنتلی آن لاکیلی	متأسفانه
421	update out of date	آپڈیت اوت او دیت	به روز رسانی کردن، مطلع کردن تاریخ گذشته
422	usefulness useful useless	یوسفل نیس یوسفل یوسلس	سودمندی، فایده مفید بی فایده
423	valley	وَالی	رَه
424	variety various	وَرایتی وَری اِس	تنوع، گوناگونی مختلف، متنوع
425	vehicle	وی اِکِل	وسیله نقلیه

426	vessel	وَسیل	رگ، ظرف، کِشتی
427	voice	وُیس	صدا
428	voluntary volunteer	وَالتتری وَالتتی اِر	داوطلبانه داوطلب (شدن)
429	voyage voyager	وَأیج وَأیجر	سفر دریایی مسافر
430	warn warning	وَرُن وَرُنینگ	هشدار دادن، اخطار دادن هشدار، اخطار
431	wildlife	وایلد لایف	حیات وحش
432	willing	ویلینگ	مشتاق، خواهان
433	win winner	وین وینر	برنده شدن برنده
434	wonder wonderful	واندر واندرفل	تعجب کردن، شگفتی شگفت انگیز
435	wrestling wrestle	رسلینگ رسلینگ	کشتی کشتی گرفتن

برای دریافت جزوات درسی پبنتشر در کانال
کنکور آسان است کلیک کنید
@konkurasanast1



برای دریافت جزوات درسی بهتتر در کانال
کنکور آسان است کلیک کنید
[@konkurasanast1](https://www.instagram.com/konkurasanast1)





برای دریافت جزوات درسی پبنتشر در کانال
کنکور آسان است کلیک کنید
[@konkurasanast1](https://www.instagram.com/konkurasanast1)

